

مکاشش



درس دوازدهم

درس آزاد

(فرهنگ بومی ۲)



* بند دوم درس را خوش خط و خوانا بنویسید.

او در سال ۱۲۹۱ در سن ۶ سالگی به همراه خانواده اش
به تهران مهاجرت کرد.

* کلمه های زیر را با حروف مناسب کامل کنید.

آ....وش

منا...ره

پروین ا...ت...امی

ح...رت م...صومه

م...ار

ح...به



خسیس و طلاهایش

مردی خسیس تمام دارایی‌اش را فروخت و طلا خرید. او طلاها را در گودالی در حیاط خانه‌اش

پنهان کرد. مدت زیادی گذشت و او هر روز به طلاها سر می‌زد و آنها را زیر و رو می‌کرد.

تکرار هر روزه‌ی این کار یکی از همسایگانش را مشکوک کرد. همسایه، یک روز مخفیانه به

گودال رفت و طلاها را برداشت. روز بعد مرد خسیس به گودال سر زد اما طلاهایش را نیافت. او

شروع به شیون و زاری کرد و مدام به سر و صورتش می‌زد. رهگذری او را دید و پرسید: «چه

اتفاقی افتاده است؟»

مرد حکایت طلاها را بازگو کرد. رهگذر گفت: «این که ناراحتی ندارد. سنگی در گودال بگذار و

فکر کن که شمش طلاست. تو که از آن استفاده نمی‌کنی، سنگ و طلا چه فرقی برایت دارد؟»

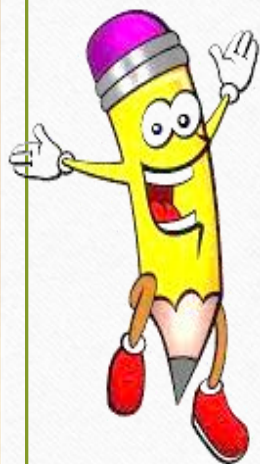


۱) مرد خسیس طلاها را چگونه به دست آورده بود؟

۲) کدام کار مرد خسیس باعث مشکوک شدن همسایه اش شد؟

۳) مرد رهگذر چرا آن پیشنهاد را به مرد داد؟

۴) از این داستان چه نتیجه ای می گیرید؟





* در مورد یکی از موضوعات زیر سه بند بنویسید.

(گفت و گوی پاکن و مداد، گفت و گوی برف و آفتاب، گفت و گوی کشتی و طوفان)



هنر و سرگرمی و جمع‌بندی آموخته‌ها



از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.



ای ایران ای سرای امید

ای ایران ای سرای امید

راه ما راه حق ، راه بهروزی

راه ما راه حق ، راه بهروزی

بر بامت سپیده دمید

بر بامت سپیده دمید

اتحاد رمز پیروزی

اتحاد رمز پیروزی



۲ مانند نمونه، اصلی ترین بخش جمله را مشخص کنید.

چو فرزند را دید، مویش سپید بشد از جهان، یکسره نا امید

داشتمندان با تکیه بر لطف پروردگار و تلاش بسیار، ایران را به اوج عظمت و سربلندی رساندند.

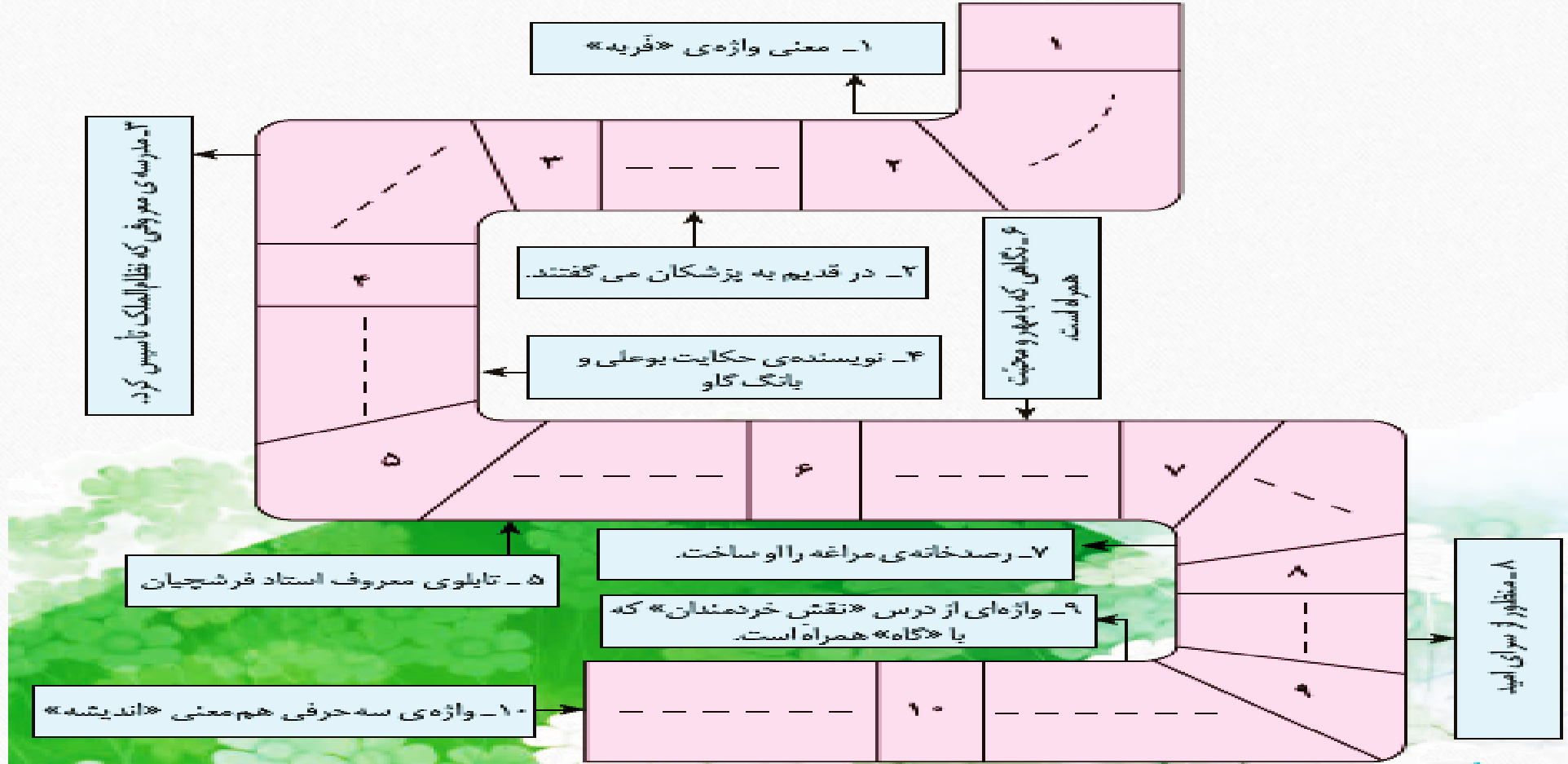
بخندند بر من، همان جهان از این بچه در آشکار و نهان

کتاب ها در قفسه های کتاب خانه خیلی منظم و خوش نما، چیده شده بودند.



با توجه به تابلوهای راهنما، جاهای خالی را پر کنید.

شروع



زیبایی یادگیری در این
است که هیچ کس
نمی‌تواند آن را از شما
بگیرد.

